

♦ شاخصه‌های تمدن‌ساز در اصول اعتقادی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای

حیدر همتی^۱
محسن قمی^۲

چکیده

تمدن‌سازی دینی مبتنی بر معرفت دینی و انسان مؤمن کنشگر تمدن‌ساز است. **هدف:** بررسی و تبیین شاخصه‌های تمدن‌ساز در اصول اعتقادی، از منظر آیت‌الله خامنه‌ای بوده است. **روش:** روش تحقیق، توصیفی و تحلیلی بوده که با استفاده از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، به روش اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری شده است. **یافته‌ها:** نقد رویکرد انتزاعی به توحید و صفات الهی و توجه به امتداد اجتماعی و سیاسی توحید، جهان‌شناسی توحیدی و خلیفه‌اللهی انسان در تمدن‌سازی، ارتباط میان آبادانی دنیا و آخرت، ارتباط میان رسالت انبیا و روش تربیتی آنها با تمدن‌سازی، نگرش سیاسی و اجتماعی به جایگاه امامت و ارتباط میان انتظار و تمدن‌سازی، از شاخصه‌های این نگرش است. **نتیجه‌گیری:** منظومه اصول اعتقاد دینی آیت‌الله خامنه‌ای، معطوف به عینیت و نقش‌آفرینی در تمدن‌سازی است و تمدن‌سازی، کنشی برآمده از اعتقادات و از تکالیف انسان مؤمن است. پیشنهاد شده دروس معارف، مطابق با این نگرش، طراحی و آموزش داده شود.

واژگان کلیدی: تمدن، اصول اعتقادی تمدن‌ساز، توحید تمدن‌ساز، آیت‌الله خامنه‌ای، الهیات تمدنی.

♦ دریافت مقاله: 97/10/22، تصویب نهایی: 98/02/14.

1. دکتری مدرسی معارف(گرایش مبانی نظری اسلام)، دانشگاه باقرالعلوم(ع)(نویسنده مسئول)/ نشانی: قم؛ شهرک پردیسان، دانشگاه باقرالعلوم(ع)/ نمابر: 02532136634 /Email: hemati.heidar@gmail.com
2. دکتری فلسفه، دانشیار گروه فلسفه دانشگاه باقرالعلوم(ع).

الف) مقدمه

مسئله اصلی متفکران بیداری اسلامی در سده اخیر، تمدن‌سازی و بازگشت دین به عرصه مدیریت زندگی اجتماعی بوده است. بیداری اسلامی در ایران موفق به ایجاد نظام سیاسی شد که پیدایش رویکردهای اجتماعی در حوزه معرفت دینی از پیامدهای آن بوده است. از این رو، بازناسی اندیشه متفکران انقلاب اسلامی، زمینه مناسبی برای تبیین ابعاد اجتماعی و تمدن‌سازی دین است.

تمدن‌پژوهان، عوامل مختلفی همچون: مجموعه‌ای مکتوب از قوانین، وجود دولت، خط و الفبا، انواعی از هنر و فعالیت‌های هنری و وجود اعتقادات دینی (روح‌الامینی، 1378: 50)، همچنین شرایط معرفت‌الارضی، جغرافیایی، اقتصادی، زیستی، روانی، نظم سیاسی، وحدت زبانی و قانون اخلاقی را برای تمدن‌سازی ذکر کرده‌اند (دورانت، 1381: 7-3). دین در مفهوم جامعه‌شناختی، به معنای نظام باورهای جمعی، شامل ادیان بشری و الهی است؛ از این رو، پوزیتیویست‌ها راه نجات را در علم و کمونیست‌ها، ساختارهای سیاسی و اقتصادی را راه رهایی انسان می‌دانند. روانکاوها نیز تلاش‌های روان‌شناختی امروز را به یک دین شخصی تبدیل می‌کنند (اسون، 1381: 17). در چنین مفهومی، دین در قلب و مرکز تمدن‌هاست؛ هرچند برخی دین به معنای قدسی را قلب تمدن دانسته‌اند (نصر؛ نقل از: رهدار و همکاران، 1388: 62). در این منظر، دین در همه ساحت‌های اجتماعی حضوری تعیین‌کننده دارد و در مقابل منظری است که جایگاه دین، نهادی هم‌عرض با سایر نهادهای تمدنی است (همان: 126). بی‌شک، عقاید و جهان‌بینی انسان، نقش تعیین‌کننده‌ای در مدل تمدن‌سازی داشته است.

با رنسانس، مکاتب جدیدی در نظام‌سازی اجتماعی به عرصه رقابت با ادیان گام نهادند و نظام‌های سیاسی را از دین جدا کردند (نوفعی، 1387: 258). در این میان، تمدن اسلامی نیز در مسیر اضمحلال قرار گرفت و با تهاجم فرهنگ نوین غربی مواجه شد (رومی، 1392) و واکنش‌های متفاوتی را میان مسلمانان برانگیخت. عده‌ای تفکیک دین از سیاست و تقلید همه‌جانبه از فرهنگ غربی را دنبال کردند و عده‌ای ملیت را جای دین نشاندهند. جریان بیداری اسلامی با رویکردهای مختلف، بازگشت به اسلام را عامل گذر از انحطاط تمدنی می‌داند. تجددگرایان در تلاش برای ایجاد همخوانی و همگرایی میان دین و علم مدرن‌اند (سجانی، 1385). شریعت‌گرایان بر ضرورت انطباق قوانین و مناسبات اجتماعی با شریعت اسلامی تأکید می‌کنند (دکمیجان، 1383) و مخالف با هر نظام انسانی، فلسفی یا سیاسی غیر خدایی‌اند (الموصلی، 1378: 35). همچنین، نص‌گرایی، بازگشت به عصر خلفای راشدین، طرد فلسفه، تصوف، تأویل (سید قطب، 1415: 117) و رد هر گونه سازش بین دین و تمدن جدید را دنبال می‌کند. (خامنه‌ای، 1377: 85)

رویکرد دیگر، به دنبال تأسیس الگوهای پیشرفت در چارچوب آموزه‌های اسلامی است و با نوگرایی و توسعه اجتماعی در تقابل نیست و نگاه‌های مشترکی با دو رویکرد دارد. این جریان با میرزای شیرازی و

673 ♦ شاخصه‌های تمدن‌ساز در اصول اعتقادی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای

نهضت تنباکو همراه با روشنگری‌های سید جمال در ایران آغاز شد و در 15 خرداد 1342، دوره نوینی را در پیش گرفت. ارائه طرحی نو از رابطه سیاست و حکومت توسط مرحوم نایینی، فعالیت‌های آیت‌الله کاشانی و فداییان اسلام در ورود دین به عرصه سیاسی و اجتماعی، پایه‌گذاری اندیشه تقریب توسط آیت‌الله بروجردی، طرح نظریه ولایت فقیه توسط امام خمینی، تفسیر روزآمد از مفاهیمی همچون: جهاد، عدالت، امر به معروف، توکل و مهدویت از سوی شهید مطهری، رویکرد نظام‌ساز در فهم گزاره‌های دینی توسط شهید صدر و تلاش آیت‌الله طالقانی برای ارائه طرح و نقشه مهندسی اجتماعی اسلام (بروجردی، 1384: 154)، از جمله تلاش‌های فکری این رویکرد است که قائل به ارائه الگوهای کاربردی از دین، در ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی است (همی، 1392). انقلاب اسلامی در ایران، برآمده از این رویکرد است و آیت‌الله خامنه‌ای از متفکران انقلاب اسلامی است که برای شکل‌دهی به کنش انسان انقلابی، به بازخوانی ابعاد اجتماعی سنت اسلامی پرداخته است. مرکزیت دادن به دین، تبیین و بسط و نظام‌سازی عملی بر پایه آن و جریان یک بینش الهی، در پیش‌زمینه و پس‌زمینه نظرات و اندیشه‌های مختلف ایشان قابل مشاهده است. (سیاهوش و آفاپور، 1390: 43)

از دیدگاه ایشان، تمدن‌سازی بدون ایدئولوژی امکان‌پذیر نیست؛ توحید، پشتوانه تمدن نوین اسلامی است (خامنه‌ای، 1391/7/23) و تمدن‌سازی، رسالت جمهوری اسلامی در ایران است. (همو، 1373/1/1)

از آنجا که اندیشه و عمل دینی آیت‌الله خامنه‌ای همواره معطوف به انقلاب اسلامی، نظام‌سازی و جهت‌گیری تمدن‌سازی بوده است، این پرسش که نگرش ایشان به اصول اعتقاد دینی در نسبت با تمدن‌سازی دارای چه شاخصه‌هایی است، اهمیت می‌یابد. به عبارت دیگر؛ چه نوع نگرشی به اصول اعتقادی، انسان معتقد را به یک کنشگر تمدن‌ساز تبدیل می‌کند؟ آیا اصل اعتقادی توحید و صفات الهی با جامعه‌سازی ارتباط دارد؟ نگرش به جهان و عالم طبیعت و انسان چه نسبتی با تمدن‌سازی دارد؟ رابطه اعتقاد به معاد با تمدن‌سازی چگونه است؟ آیا جامعه‌سازی و نظام‌سازی اجتماعی و در نهایت، تمدن‌سازی جزء رسالت نبی و امام است؟ نسبت میان انتظار و تمدن‌سازی در دوره غیبت چگونه است؟

این منظر معرفتی در تحلیل تمدن، غیر از بررسی مؤلفه‌های تمدن‌ساز در تاریخ تمدن اسلامی است که نگاهی به دستاوردهای گذشته مسلمانان دارد. همچنین، غیر از جامعه‌شناسی تمدنی است که به دنبال مطالعه چگونگی وضعیت تمدنی یک جامعه است. این پژوهش، زیرمجموعه الهیات تمدنی و زمینه‌ساز ارائه نظریه کلامی تمدن‌سازی است. بدیهی است با وجود رویکردهای مختلف در دین‌شناسی، نمی‌توان بر پایه همه آنها با تمدن‌سازی نسبت برقرار کرد؛ برخی رویکردهای دین‌شناسی، از علل انحطاط تمدن اسلامی است (ولایتی، 1392: 51). البته نبود تعریف و تبیین بسط‌یافته و نظام‌مند از ظرفیت الهیات در تمدن‌سازی، معضلی اساسی در مسیر ایجاد مجدد تمدنی مبتنی بر اسلام است.

ب) چارچوب مفهومی

تمدن از ریشه «مَدُن» به معنای پذیرش شهرنشینی، نظم و قانون و همکاری افراد با یکدیگر است (ابن منظور، 1414، ج 13: 402). البته نظریه پردازان اجتماعی، فارغ از لفظ تمدن، رویکردهای مختلفی به این واقعیت بشری دارند (هدار و همکاران، 1388: 25). آلفرد وبر، تمدن را با سازوکارهای عینی و فرهنگ را با امور ذهنی یکی دانست. مک ایور، تشکیل جامعه و نظام و کنترل شرایط اجتماعی را تمدن دانست. برخی دیگر تمدن را در جلوه‌های فرهنگ مادی و تجسم آن را در شهرنشینی می‌دانند (روح‌الامینی، 1379: 50). از نظر ویل دورانت، تمدن خلاقیت فرهنگی است (دورانت، 1381: 3). یونانیان، واژه «Cite» را مظهر اجتماع متمدن دانسته‌اند. فلاسفه مسلمان، آن را مترادف واژه «اجتماعی» گرفته و ذیل مباحث حکمت عملی قرار داده‌اند (رک: فارابی، 1996؛ ابن سینا، 1418؛ طوسی، 1387). ابن خلدون (1408) واژه عمران را به کار برده است. برخی از معاصران، تشکل هماهنگ انسانها در حیات معقول، به همراه روابط عادلانه در پیشبرد اهداف مادی و معنوی را تمدن دانسته‌اند. (جعفری، 1362: 161)

مبنای مختار، قدر جامع و مشترک تعریفهای مختلف است؛ اینکه هر تمدنی دارای جامعه و مجموعه‌ای از نظامهای مختلف است. تمدن گستره وسیعی از ملیتها و فرهنگها را شامل می‌شود و تحقق آن فرایندی است؛ امری مادی و دنیوی و در پاسخ به نیازهای انسان است. نظامهای عینی و عملی منجر به تمدن می‌شوند؛ لذا اگر فکر یا ایده در مقام عینیت محقق نشود، به آن تمدن گفته نمی‌شود.

در رایج‌ترین دسته‌بندی، تعالیم اسلام به سه بخش اعتقادات، اخلاقیات و احکام تقسیم شده است. اصول اعتقادی در این مقاله، ناظر به توحید، عدل، معاد، نبوت و امامت است. با توجه به فرایندی بودن تمدن و اینکه هنوز ابعاد تمدن نوین اسلامی تحقق نیافته، در این منظر جهت‌گیری‌های تمدن‌ساز مد نظر است؛ یعنی رویکردهای معطوف به تشکیل حکومت، جامعه‌سازی و نظام‌سازی که منجر به تمدن می‌شود. منظور از شاخصه‌ها، ممیزه‌هایی در نگرش به اصول اعتقادی در ارتباط با ویژگی‌های تمدن است. این شاخصه‌ها گاهی در روش فهم، زمانی در رویکرد و قلمرو مفهومی، همچنین در کارکرد و گاهی در لوازم مفهومی و نحوه برداشت از اصول اعتقادی است که با تمدن‌سازی ارتباط دارد.

بخشی از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای که می‌توان به تعریف تمدن از دیدگاه ایشان دست یافت، عبارتند از: تمدن، پیشرفت همه‌جانبه (خامنه‌ای، 1391/7/23)؛ حیات طیبه (همو، 1389/4/24)؛ ویژگی‌های عینی تمدن اسلامی (همو، 1392/6/14)؛ نقد مؤلفه‌های تمدن غربی (همو، 1379/11/14)؛ بیان شاخصه‌های تمدن اسلامی در گذشته تاریخی و شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی (همو، 1391/7/23).

از این رو، تمدن از دیدگاه ایشان: پیشرفتی همه‌جانبه (مادی و معنوی) است که دارای دو بخش ابزاری (صنعت و فناوری، علم و اختراع) و اصلی (فرهنگ و سبک زندگی) است و هدف آن، تکامل مادی و معنوی انسان، رسیدن به حیات طیبه و تحقق عبودیت و قرب الهی است.

ج) پیشینه

به طور کلی ابعاد تمدن و فرهنگ انسانی، از منظر وحیانی کمتر توسط اندیشمندان مسلمان تحقیق شده است. در بیشتر مطالعات، نگاه تاریخی (تاریخ تمدن اسلامی) و گاه فلسفی و اجتماعی (چیستی تمدن و فرهنگ) حاکم بوده و تمدن از منظر دینی و کلامی، کمتر تحلیل شده است (بابی، 1393: 21-17). درباره عنوان مقاله، اثر مستقلاً یافت نشد؛ اما با توجه به بین رشته‌ای بودن موضوع، آثاری که به موضوع تمدن و تمدن‌سازی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته‌اند، وجود دارد؛ نمونه‌هایی از این تحقیقات عبارتند از:

«واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله)» (کبری و رضایی، 1394)؛ که محوریت قوانین قرآن، ایمان، علم، اخلاق، مجاهدت مداوم و حکومت مردمی را از شاخصه‌های اختصاصی تمدن نوین اسلامی دانسته است.

«عوامل و زمینه‌های احیای تمدن اسلامی در گفتار رهبر معظم انقلاب اسلامی» (شکوری و موسوی، 1394)؛ در این مقاله، واکاوی برخی از عوامل و زمینه‌های احیای تمدن اسلامی و نقش ایران در این زمینه بیان شده است.

«چشم‌انداز گفتمان تمدن‌گرایی اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری» (روحی، 1392)؛ با استفاده از روش تحلیل گفتمانی، نظام معنایی گفتمانهای اسلام سیاسی را در قالب گفتمانهای شریعت‌گرایی و تجددگرایی و تمدن‌گرایی اسلامی بررسی کرده، ضمن ترسیم چشم‌انداز گفتمان تمدن‌گرایی اسلامی، با روش مقایسه‌ای به تفاوت نگاه آیت‌الله خامنه‌ای با دیگر متفکران پرداخته که در مبانی، همسو و قابل بهره‌برداری است.

«فرایند تحقق تمدن اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای» (جهان‌بین و معینی‌پرور، 1393)؛ به چهار رکن دین، علم، اخلاق و عقلانیت در فرایند تحقق تمدن نوین اسلامی پرداخته است.

«مبانی و مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی، با تأکید بر اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی» (خاری آرانی و علی‌اکبرزاده آرانی، 1394) نگاه گذرا به شرایط و مؤلفه‌های تمدن به طور عام و تمدن اسلامی به طور خاص را مورد اهتمام قرار داده است.

«تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای» (بهمنی، 1393)؛ هندسه کلان اندیشه تمدنی ایشان را استخراج و توصیف کرده است که هدفی غیر از تحقیق پیش رو را دنبال می‌کند.

هدف تحقیق حاضر، که وجه تمایز عمده آن است، رویکرد کلامی و الهیاتی به تمدن‌سازی است. در این مقاله، منظومه اصول اعتقادی در نسبت با تمدن‌سازی، از منظر آیت‌الله خامنه‌ای بررسی و شاخصه‌های آن تبیین شده است و زمینه برای طرح نظریه کلامی تمدن‌سازی و همچنین مقایسه با جریانهای دیگر معرفت دینی فراهم آمده است.

د) شاخصه‌های تمدن‌ساز اصول اعتقادی

1. توحید و تمدن‌سازی

توحید، مفهومی کلیدی و زیربنای همه ادیان توحیدی است. این مفهوم می‌تواند شخص را آزادترین و شجاع‌ترین و مبارزترین موجود روی زمین بسازد؛ از سوی دیگر، می‌تواند آدمیان را به ذلت بنشانند.

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، اکتفا به روش معرفتی صرفاً فلسفی، کلامی و انتزاعی درباره توحید و انحصار آن در چارچوب نظریه‌ها و بحث‌های فلسفی و ذهنی (خانه‌ای، 1390) در ایجاد جامعه توحیدی بی‌اثر بوده است (همو، 1395: 228). از این رو، توصیف و اثبات توحید بدون آثار اجتماعی، توحیدی خشک و بی‌روح است که تنها موجب روشن شدن ذهنی می‌شود و اثری در زندگی اجتماعی ندارد (همان: 248)؛ در حالی که توحید علاوه بر جهان‌بینی، ایدئولوژی زندگی‌ساز اسلام است (همان: 183)؛ برداشتی از واقعیت، که شناختی عمل‌زا و زندگی‌ساز را در پی دارد (همان: 223). در این منظر، توجه ندادن به امتداد سیاسی و اجتماعی مسائل فلسفی و کلامی و باقی ماندن در ذهنیات مجرد، نقصانی برای فلسفه اسلامی است (همو: 1382/10/29). لذا توصیه آیت‌الله خامنه‌ای به اندیشمندان حوزه فلسفه اسلامی، تکیه بر مسائل کلان جامعه اسلامی، مثل حکومت بوده و خواستار پاسخگویی فلسفه به آن است (همو: 1391/11/23)؛ به گونه‌ای که در مباحث وجود نیز باید دنبال امتداد سیاسی آن بود (همو: 1380/12/21). از منظر ایشان، جاری ساختن قوانین توحیدی در جامعه، خلیفه‌اللهی بودن حاکمان (همو: 1365/2/9)، نگاه تشکیکی و سلسله‌مراتبی به حاکمیت و ولایت در سه سطح ولایت نبوی، امام و فقیه در عصر غیبت (همو: 1370/4/10)، همچنین برقراری ارتباط سازنده و فعال میان اعتقاد به خدا و شکل جامعه، روحیات و اخلاق افراد جامعه و روش زندگی مردم، ساختار و نظامواره اجتماعی (نقل از: مهاجرنیا، 1393، ج 6: 212)، موجب امتدادیابی و عینیت‌بخشی به توحید است. از این رو، ساختار جامعه توحیدی، متمایز از اجتماع غیر توحیدی است و این تفاوت، فراتر از اجرای قانون توحیدی است (خانه‌ای، 1395: 225). بر این مبنای تمدن توحیدبنیان، ساختار و نظامواره متفاوتی از تمدن غیر توحیدی خواهد داشت.

اثر کنشی ایمان به توحید، عمل‌زایی و تعهد به سازندگی دنیا با ویژگی‌هایی توحیدی و اقدام عملی برای زدودن شرک است (همان: 288) و سازندگی اجتماع توحیدی و تمدن‌سازی توحیدی، تکلیفی برآمده از ایمان به توحید است.

در این نوع سازندگی، روابط و نسبت‌های متفاوتی به وجود خواهد آمد؛ به گونه‌ای که نحوه رابطه با کارگر، زمین و... از منظر انسان موحد با غیر موحد یکسان نیست (همان: 208). از طرفی، نفی شرک و طاغوت (همو، 1371/1/23) در امتداد و عینیت نیز جاری است. از این رو، ایشان قدرتهای مادی و استکباری را از مظاهر شرک و در ضدیت با نظام توحیدی می‌دانند (همو، 1370/3/26) و انقلاب اسلامی نیز از معانی تحقق‌یافته توحید و نفی عبودیت غیر خداست (همو، 1369/3/10). از آنجا که اطاعت از یک موجود، عبادت کردن آن

677 **◆** شاخصه‌های تمدن‌ساز در اصول اعتقادی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای

است (همو، 1395: 248)، اطاعت از هر نظام اجتماعی غیر الهی، عبادت غیر خداست (همو، 1371/1/26). لذا قوانین، نظم اجتماعی و سنتها و آداب نیز در امتداد و عینیت توحید یا شرک بوده و اطاعت از آنها، اطاعت از خدا یا طاغوت است. تمدن‌سازی دینی در چالش با الگوهای بشری در اداره جامعه است و راهکار برون‌رفت از تحمیل الگوهای بشری در دوره بعد از بیداری و انقلابهای اسلامی، نظام‌سازی است (همو، 1390/6/26). در این منظر، صفات الهی نیز دارای امتداد عینی و خارجی است؛ از این رو، بر پایه اعتقاد به عدل الهی، محاسبه توازن در تمام عالم هستی وجود داشته و در نظام اجتماعی انسان نیز برقرار است (همو، 1363/10/13) و عدالت نیز از اهداف نظام‌سازی اجتماعی ادیان (همو، 1390/2/27) و در نظام اسلامی، مبنای تصمیم‌گیری‌های اجرایی است (همو، 1370/3/13). تمدن‌سازی، جریان و سریان توحید در نظامهای تمدنی و الگوهای تمدنی نیز برآمده از توحید است. مبانی و محتوا و شکل تمدن نیز در نسبت میان نظامهای تمدنی توحید جریان دارد. در تمدن‌سازی مبتنی بر توحید، همه خیراتی که متوقف بر تمدن‌سازی است، به دست خواهد آمد. (همو، 1391/7/23)

یک) جهان‌شناسی توحیدی و تمدن‌سازی

نحوه نگرش به جهان محلی برای تحقق تمدنها در نسبت با خداوند و چگونگی جهان از حیث قانونمندی و هدفداری و انسجام، همچنین نسبت انسان با قوانین و سنتهای حاکم بر جهان، محدوده و نحوه تصرف انسان در طبیعت و نیز نحوه نگرش به تفاوتها، رابطه معناداری با تمدن‌سازی دارد. جهان از منظر توحیدی، مجموعه‌ای منسجم است که هر گوشه آن جزئی از یک کل و بخشی از مجموعه یک آهنگ است و عالم، بستر تلاوم (استصلاح و خوب شدن) و توافق و وابسته و درست‌شده به دست قدرت بالاتری به نام الله است (همو، 1395: 185)؛ مجموعه‌ای نظام‌مند، قانون‌مدار و هدفدار است (همو، 1389/8/4)؛ گاهواره زندگی انسان و محل ولادت و نشو و نما و سپس مرکز بازگشت انسان است (همو، 1393/12/17). با توجه به وجود قوانین و نیز سنتهای تغییر و تبدل‌ناپذیر الهی، موفقیت انسان در تطبیق خود با قوانین است. (همو، 1380/7/4)

خداوند جهان را تحت تصرف انسان قرار داده است، اما متعلق به نوع و نسل خاصی از انسان نیست و اجازه برای هر تصرفی را ندارد. از این رو، حفظ محیط زیست و احترام به ناشناخته‌های آن لازم است و طبیعت جهان، قابل تقسیم به موجودات ارزشمند و بی‌ارزش نیست (همو، 1393/12/17). بی‌اعتنایی به طبیعت و تصرف ظالمانه در آن، محکوم است و سلامت محیط پرورش آدمی در رفتار با صلح و سلامت بشر با خدا، درون، هم‌نوعان و طبیعت پیرامون خود است (همو، 1379/6/9). از منظر توحیدی، رنگها، زبانها، نمودارهای چندگانگی جغرافیایی و تاریخی حاکم بر جهان، از حقیقت چندگانه انسان خبر نمی‌دهد؛ بلکه سرشت، نیاز و آرمان و حرکت و ایمان انسانها نیز واحد است و پیامبران الهی بر پایه سرشت و طبیعت واحد انسانها در دوران مختلف، دینی برای آنان آورده‌اند و انسانهای هر دوره، به حفظ وحدت خود در سایه آن دین دعوت‌اند (همو، 1363/2/16). بر این پایه، می‌توان از امکان تمدن واحد جهانی سخن گفت.

دو) انسان‌شناسی توحیدی و تمدن‌سازی

انسان، سازنده تمدن است و تمدن، پاسخی به نیاز انسان است. از این رو، چیستی هویت انسان و رابطه انسان با خدا، عالم مادی، ثروت، قدرت و علم، با تمدن‌سازی معنادار است. آیت‌الله خامنه‌ای انسان را موجودی مکلف، مختار و مواجه با هدایت الهی می‌داند که متعهد برای خود و جامعه است. از این رو، توجه به مسائل اجتماعی، حق و تکلیف است و مردم در امر حکومت و جامعه مسئول‌اند (خامنه‌ای، 1389/9/10). انسان، هویتی طبیعی و الهی دارد (همو، 1386/2/25) و در زندگی مادی و دنیوی یا صرفاً معنوی یا در یک قطعه شخصی از تاریخ، محدود نیست (همو، 1377/8/26). با توجه به هویت تک‌بعدی یا دو‌بعدی انسان، برای پیشرفت انسان نیز دو منطق قابل ترسیم است. پیشرفت در منطق تمدن مادی، تک‌بعدی و یک‌جهتی است؛ یعنی پیشرفت در ثروت، علم، نظامی و فناوری است. اما در منطق اسلامی، در کنار پیشرفت مادی، پیشرفت در جنبه معنوی و الهی است (همو، 1391/7/19). در نگاه انسان مادی، محور پیشرفت، انسان سودمحور است (همو، 1386/2/25). لذا سبک زندگی انسان تک‌بعدی مادی، متفاوت از انسان دو‌بعدی است. البته سیر و حرکت تکاملی انسان از درون عالم ماده است، نه یک تکامل صرفاً معنوی همراه با نفی عالم ماده؛ لذا رابطه دوسویه تکاملی میان انسان و طبیعت برقرار است. انسان با کشف قوانین طبیعت، باعث شکوفا شدن آن می‌شود و از طرفی، با شکوفایی طبیعت، استعدادهای انسان شکوفا خواهد شد (همو، 1379/9/12). ثروت، قدرت و علم، وسیله‌ای برای تعالی انسان‌اند (همو، 1386/2/25). پس این سیر از درون عالم ماده صورت خواهد پذیرفت، نه با حذف عالم ماده؛ همچنان که برخی جریانهای عرفانی، سیر معنوی را جدا از عالم ماده کردند و نسبت به مواهب دنیوی روگردان شدند و در نتیجه، شکوفایی در علم، ناظر به کشف قوانین جهان رخ نداد.

با دو‌نگرش می‌توان هدف و جایگاه انسان را بررسی کرد. در نگرش نخست، اسلام به دنبال حرکت انسان از خودپرستی به خداپرستی است و در نگرش دوم، انسان خلیفه خداوند در زمین و موظف به آباد کردن دنیاست تا استعدادهای درونی خود را استخراج و خود را به موجودی مقتدر تبدیل کند (همو، 1386/2/25). با کشف قوانین، بر جهان مسلط شده و با توسعه آن، سعادت خود و جامعه‌اش را تحقق بخشد (همو، 1379/11/15). از این رو، کشف استعدادهای عالم ماده، همچنین ایجاد عدالت، استقرار حکومت حق و ...، از مأموریت‌های انسان است (همو، 1388/2/27؛ 1377/7/29). در نگرش دوم به انسان، تمدن‌سازی، تکلیفی برآمده از جایگاه خلیفه‌اللهی انسان است.

2. معاد و تمدن‌سازی

یک نظام کلان اجتماعی، زمانی تمدن نامیده می‌شود که کارکردهای دنیوی لازم را داشته باشد و پاسخگوی نیازهای دنیوی باشد. از این رو، تمدن از زندگی این‌جهانی فارغ نیست و تمرکز صرف بر مسائل آن‌جهانی ندارد (بابایی، 1390: 42). نحوه نگرش به آخرت در نسبت با تمدن‌سازی ارتباط معناداری دارد؛ تا آنجا

679 ♦ شاخصه‌های تمدن‌ساز در اصول اعتقادی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای

که غلبه نگاههای صوفیانه و آخرت‌گرایانه را از عوامل انحطاط تمدن اسلامی دانسته‌اند (ولایی، 1392: 51). از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، دنیا و آخرت، توأمان آباد می‌شوند؛ از همین رو، در برنامه‌های نظام اسلامی، زندگی انسان مرفه و عزتمند و مقدمه‌ای برای کسب رضای پروردگار است. در این منظر، اصلاح توأمان دنیا و آخرت، نشان‌دهنده قدرت اسلام است (خامنه‌ای، 1373/3/14). ایشان با برقراری ارتباط دوسویه میان دنیا و آخرت، رسیدن انسان به مواهب اخروی را با دنیای ویران امکان‌پذیر ندانسته‌اند (ممو، 1382/6/5). لذا دنیا، مزرعه آخرت است و آخرت، تجسم دنیاست. (ممو، 1376/3/6)

در این دیدگاه، عمل اجتماعی و سیاسی و از جمله تمدن‌سازی، تکلیفی برآمده از اعتقاد به معاد است؛ با این استدلال که وقتی اعمال فردی محدود بازخواست می‌شود، اعمال سیاسی و اجتماعی که دایره آن وسیع و تبعات بیشتری دارد نیز بازخواست خواهد شد. پس این اعمال نیز در دایره اهداف دین قرار دارد و تفکیک دنیا از آخرت، از بزرگ‌ترین مظاهر شرک است. (ممو، 1368/4/14)

از طرف دیگر، در اعتقاد به معاد است که می‌توان از اعتقاد به امتداد و نتایج عمل سخن گفت و بسیاری از مفاهیم اخلاقی، از جمله ایثار و جهاد را در این دنیا معنا بخشید و آن را منطقی کرد. [معظم له با تأکید بر چگونگی توجه به معاد و تأثیرگذاری آن بر سبک زندگی این جهانی ادامه می‌دهند که] این موارد باید جزو الگوی پیشرفت بیاید و در پیشرفت یک جامعه معنا پیدا کند (ممو، 1389/9/10). البته در رابطه میان دنیا و آخرت باید به یک نگاه متعادلی رسید؛ چرا که اصل قرار دادن دنیا و معطوف کردن همه تلاش جامعه برای آباد کردن دنیا و عدم توجه به معنویت، از انحرافات است و در نظر نگرفتن نیازهای مادی، انحرافی دیگر است. (ممو، 1379/2/23)

3. نبوت و تمدن‌سازی

آنگاه می‌توان به اندیشه تمدنی در تفکر دینی اهتمام ورزید و سهم تمدن را در برآوردن اهداف دنیوی دین مطالعه کرد که دین، از رسالت‌های دنیوی برخوردار بوده و بدون عینیت‌بخشی به آن نتواند آرمانهای آن‌جهانی‌اش را محقق سازد. لذا نحوه نگرش به رابطه آموزه‌های نبوی با آموزه‌های بشری، نسبت رسالت و بعثت انبیا با اجتماع و حکومت و روش تربیتی انبیا، رابطه معناداری با تمدن‌سازی دارد. از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، دین بدون اعتقاد به نبوت معنا ندارد و انسان بدون هدایت وحی به سعادت نمی‌رسد. وحی نیز با عقل و غریزه در تضاد و تعارض نیست (ممو، 1395: 309). در این منظر، انقلاب و تحولی که در درون نبی به وجود می‌آید (همان: 253، 354-359) و انبیا به دنبال تبدیل نظام جاهلی غیر عادلانه به نظام الهی در ساختاری توحیدی‌اند (همان: 365)؛ امری که متفاوت و فراتر از تهذیب فردی مردم است (همان: 383). در این منظر، انبیا مظهر اقتدار خداوند در بین بشرند که به دنبال تشکیل حکومت و تأثیرگذاری در واقعیت زندگی مردم بوده و برای تحقق این اقتدار، با نظام سیاسی حاکم مبارزه کرده‌اند. نصیحت و تبلیغ، بخشی از وظایف پیغمبران

بوده است و دین بدون حاکمیت، اثربخشی واقعی را ندارد (همو، 1374/2/29)؛ زیرا اقامه قسط و عدل و رفع ظلم، از اهداف ادیان است. (همو، 1369/7/16)

سیره عملی پیامبر (ص) نشان‌دهنده این است که دائماً درصدد بودند اسلام و توحید را در گوشه‌ای از دنیا در جامعه پیاده کنند (عبداللهی، 1380: 146). حرکت تاریخی انبیا، از جمله ماجرای حضرت سلیمان، طالوت، آمدن موسی به سرزمین مقدس و بیرون بردن بنی‌اسرائیل، برای تشکیل جامعه و مدینه فاضله بوده است (خامنه‌ای، 1395: 357). روش انبیا در هدایت مردم نیز از رهگذر جامعه‌سازی بوده است. انبیا معتقد به تربیت فردی نبودند، بلکه به دنبال ایجاد محیط متناسب و سالم بودند (همو، 1391: 46). از آنجا که رسالت پیغمبر ساخت دنیای توحیدی بوده است، انسان مؤمن نیز بر اساس این شهادت، وظیفه ساخت دنیای توحیدی را بر عهده خواهد داشت (همان: 26). لذا ایجاد تمدن نوین اسلامی و فضا و راه جدید برای پاسخگویی به نیازهای بشری، وظیفه دنیای اسلام است؛ همان‌گونه که وظیفه پیامبر اسلام بوده است. (همو، 1394/10/8)

4. امامت و تمدن‌سازی

از نظر آیت‌الله خامنه‌ای برای تحقق یک مکتب در باور مردم و تاریخ، نمونه عینی لازم است و استدلال صرف کافی نیست و امام، نمونه‌ای عینی و برترین انسان است که بر مبنای مکتب ساخته شده است (همو، 1391: 92). امامت، منصب دوم پیغمبران و شکلی از اداره جامعه است که با پیوند عمیق و جوشیدگی میان مردم و رهبر همراه بوده و تعیین‌کننده‌ترین فصل زندگی آن جامعه است (همو، 1361/7/6). همچنین، امامت اوج معنای مطلوب اداره جامعه در مقابل انواع و اقسام مدیریتهای جامعه است (همو، 1380/12/12) و ولایت نیز پدیده‌ای سیاسی و اجتماعی و حادثه‌ای تعیین‌کننده برای زندگی است. (همو، 1377/1/27)

این رویکرد از امام‌شناسی، رابطه معناداری میان امامت و عینیت‌بخشی و تأثیرگذاری در اجتماع برقرار کرده است. در این منظر، همه تلاشهای انبیا و اولیا در تاریخ، بر پایه این بینش بوده که نقطه شروع صراط مستقیم انسان، زمان حضرت ولی عصر (عج)؛ یعنی دوره تحقق تمدن کامل است (همو، 1379/9/12). در این منظر، دوره حیات ظاهری ائمه (ع) یک دوره 250 ساله دارای حرکت مستمر و طولانی، با جهت‌گیری سیاسی و مبارزه‌ای با هدف تشکیل حکومت اسلامی و نظام اسلامی بوده است (همو، 1390). مفهوم انتظار نیز یک عمل و کنش اجتماعی اثربخش و تمدن‌ساز به منظور آماده‌سازی زمینه اقدام حضرت حجت (عج) است (همو، 1368/12/1). لذا بنای زندگی منتظران، در راستای تشکیل حکومت امام زمان (عج) در آینده است (همو، 1368/12/22). از این رو، تشکیل جمهوری اسلامی از مقدمات حرکت عظیم تاریخی است و هر اقدامی در جهت استقرار عدالت، قدمی به سمت آن هدف است (همو، 1387/5/27). در این نگاه، انقلاب اسلامی با پیاده‌سازی احکام اسلام و ایستادگی در برابر ظلم، نقش زمینه‌سازی برای ظهور دارد و این ارتباط از طریق هم‌هدفی پیش خواهد آمد. لذا اهداف پیش روی نظام جمهوری اسلامی، همان اهداف حکومت

681 ♦ شاخصه‌های تمدن‌ساز در اصول اعتقادی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای

امام زمان (عج) است؛ با این تفاوت که تحقق این اهداف در زمان ظهور به صورت کامل خواهد بود (همو، 1384/6/8). در نتیجه، نظام اسلامی با همان اهداف حکومت حضرت حجت (عج)، هدف و آرمانی جز «ایجاد تمدن اسلامی» نمی‌تواند داشته باشد. (همو، 1392/6/14). بنابر این، تمدن اسلامی دو بخش خواهد داشت:

1. بخش زمینه‌ساز، که قبل از ظهور امکان تحقق دارد؛
2. بخش اصلی یا حد‌اعلای تمدن اسلامی، که پس از ظهور محقق می‌شود.

ه) بحث و نتیجه‌گیری

جامعه داشتن، متشکل از نظامهای مختلف، عینیت و تحقق خارجی، پاسخگویی به نیازهای انسان و دنیوی و فرایندی بودن، وجه مشترک تعریفهای مختلف از تمدن است. در این مقاله شاخصه‌هایی در نگرش به اصول اعتقادی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای که ارتباط معناداری با تمدن‌سازی دارند، تبیین شد. از این رو، نقد روش معرفتی و مواجهه صرفاً عقلی و انتزاعی و قلبی با توحید، خلیفه‌اللهی بودن حاکمان، نگاه تشکیکی به حاکمیت، اجرای قوانین توحیدی، ارتباط میان نظامواره و سیستم جامعه با توحید و نیز تلاش برای ایجاد جامعه توحیدی و نظام عادلانه بر پایه عینیت‌بخشی به توحید و صفت عدل الهی در بعد اصل توحید و عدل؛ نگاه توحیدی به جهان به عنوان مجموعه‌ای هدفمند و منسجم و مأموریت انسان برای کشف قوانین و حاکمیت بر آن و نیز اعتباری بودن تقسیمات جغرافیایی و منشأ واحد داشتن انسانها و نبود تفاوت در سرشت و اهداف انسانها در بعد جهان‌شناسی توحیدی؛ موجود مادی و معنوی بودن انسان و خلیفه‌اللهی و مأمور برای آبادانی دنیا و سیر تکاملی از درون عالم ماده در بعد انسان‌شناسی توحیدی؛ ارتباط معنادار میان آبادانی دنیا و آخرت و شرک دانستن جدایی دنیا از آخرت در بعد اصل اعتقادی معاد؛ رستاخیز اجتماعی بودن بعثت انبیا و اقتدار الهی بودن در زمین و اثربخشی تربیتی از رهگذر نظام‌سازی اجتماعی در اصل اعتقادی نبوت؛ تحقق عینی مکتب در برترین انسان و پدیده سیاسی و اجتماعی بودن ولایت و تحقق نسبی تمدن و زمینه‌سازی برای تحقق تمدن کامل توسط معصوم در اصل اعتقادی امامت؛ از شاخصه‌های این نگرش است که ارتباط معناداری با تمدن‌سازی دارد.

بر این اساس، لازمه ایمان به توحید، تعهد عملی برای سازندگی دنیا با ویژگی‌های توحیدی؛ لازمه اعتقاد به معاد، مسئولیت انسان در ابعاد اجتماعی؛ لازمه خلیفه‌اللهی انسان، آباد کردن دنیا؛ لازمه شهادت بر رسالت نبی، محقق ساختن رسالت نبی در ساختن دنیای توحیدی و لازمه انتظار، مقدمه‌سازی برای تحقق تمدن کامل است. این منظر، متمایز از رویکردی است که توحید را صرفاً عقلی و فلسفی تبیین کرده یا به ایمان قلبی و زبانی، بدون توجه به اثرگذاری اجتماعی اکتفا دارد. جهان‌شناسی توحیدی در مقابل نگرشی است که جهان مادی را شر، بی‌قانون و بی‌هدف دانسته، انسان را محبوس و محکوم به قوانین طبیعت و گرفتار در قفس مادی می‌داند که راه نجاتش در احتراز از عالم ماده است. همچنین، در تقابل با نگرش

تک‌بعدی مادی یا معنوی صرف به انسان است؛ در مقابل نگرشی است که سیر انسان به خدا را درونی و فردی می‌داند و مسئولیتی برای انسان در نسبت با مدیریت جهان قائل نیست؛ در تقابل با منظری است که در آن اعتقاد به آخرت در تضاد با آبادانی دنیا قرار می‌گیرد. در این منظر، بعثت نبی تنها تحویلی درونی و رسالت او در موعظه و نصیحت و تبلیغ و تربیت فردی نیست؛ جایگاه امامت تنها در هدایت برای آخرت و جدای از مدیریت دنیوی نیست. همچنین، در تقابل با دیدگاهی است که تشکیل حکومت را صرفاً وظیفه امام معصوم (ع) می‌داند و دوران انتظار را دوران تقیه و صبر و دعا و... تفسیر می‌کند. بر پایه این نگرش، وظیفه الهی‌دان صرفاً دفاع نظری از اصول اعتقاد دینی نیست، بلکه همراه با ورود عینی و عملی در نظام‌سازی اجتماعی و تمدن‌سازی است. در این رویکرد، کنشگری برای ساخت تمدن نوین اسلامی مبتنی بر اصول اعتقادی است. لازم است متولیان امر آموزش معارف دینی، به تبیین هندسه معرفت دینی با رویکرد تمدن‌ساز بپردازند.



منابع

- ابن خلدون، عبدالرحمن (1408 ق). مقدمه. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (1418 ق). *الاهیات من کتاب الشفاء*، ط 1. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ابن منظور، ابوالفضل محمد بن مکرم (1414 ق). *لسان العرب*. بیروت: دار الصادر.
- اشکوری، محمدجواد و سیده‌زهرا موسوی (1394). *مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی*. تهران: دانشگاه شاهد. قابل دسترس در:
<http://shahed.ac.ir/po/Lists/News/DispForm.aspx?ID=65>
- اکبری، مرتضی و فریدون رضایی (1394). «واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله)». *مطالعات الگویی پیشرفت اسلامی*، دوره سوم، ش 5.
- الموصلی، احمد (1378). *اصول‌گرایی اسلام و نظام بین‌الملل*. ترجمه مهرداد آزار اردبیلی. تهران: کیهان.
- بابایی، حبیب‌الله (1390). *تمدن و تجدد در اندیشه معاصر عرب*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- بابایی، حبیب‌الله (1393). *کاوش‌های نظری در الهیات و تمدن*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- بروجردی، مهرداد (1384). *روشنفکران ایرانی و غرب*. ترجمه جمشید شیرازی. تهران: فرزانه، چ پنجم.
- بهمنی، محمدرضا (1393). «تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای». *نقد و نظر*، سال نوزدهم، ش 2.
- بهمنی، محمدرضا (1392). «نسبت دین و زندگی». *اسلام و مطالعات اجتماعی*، دوره اول، ش 2.
- تامسون، کنت (1381). *دین و ساختار اجتماعی*. ترجمه علی بهرام‌پور و حسن محدثی. تهران: کویر.
- توفیقی، حسین (1387). *آشنایی با ادیان بزرگ*. تهران: سمت، چ سوم.
- جعفری، محمدتقی (1362). *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*. تهران: فرهنگ اسلامی.
- جهان‌بین، فرزاد و مسعود معینی‌پرور (1393). «فرایند تحقق تمدن اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای». *مطالعات انقلاب اسلامی*، سال یازدهم، ش 39.
- خاری آرانی، مجید و زهرا علی‌اکبرزاده آرانی (1394). «مبانی و مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی با تأکید بر اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی». *همایش ملی تمدن نوین اسلامی*. تهران: دانشگاه شاهد.
- خامنه‌ای، سید علی (1377). *آینده در قلمرو اسلام*. تهران: دفتر نشر اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی (1390). *انسان 250 ساله*. بیانات مقام معظم رهبری درباره زندگی سیاسی مبارزاتی انمه معصومین. گردآوری و تنظیم: مرکز صهبا. تهران: مؤسسه ایمان جهادی.
- خامنه‌ای، سید علی (1395). *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*. تهران: مؤسسه ایمان جهادی، چ هفتم.
- خامنه‌ای، سید علی (1391). *ولایت و حکومت: مباحثی در باب مفهوم ولایت، حکومت الهی و حاکم اسلامی*. تهران: مؤسسه ایمان جهادی.
- دکمچیان، هرایر (1383). *جنبش اسلامی در جهان عرب*. ترجمه حمید احمدی. تهران: کیهان، چ چهارم.

- دورانت، ویل (1381). تاریخ تمدن. ترجمه احمد آرام، عسکری پاشایی و امیرحسین آریان‌پور. تهران: علمی و فرهنگی.
- روحی، نبی‌الله (1392). «چشم‌انداز گفتمان تمدن‌گرایی اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری». مطالعات راهبردی بسیج، سال شانزدهم، ش 61.
- رهدار، احمد؛ حبیب‌الله بابایی، رضا خراسانی و محمدتقی کرمی قهی (1388). جستاری نظری در باب تمدن. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- سبحانی، محمدتقی (1385). «درآمدی بر جریان‌شناسی اندیشه اجتماعی دینی در ایران معاصر». نقد و نظر، دوره یازدهم، ش 43-44.
- سید قطب (1415 ق). معالم فی الطریق. بیروت: دارالشروق.
- طوسی، خواجه نصیرالدین (1387 ق). اخلاق ناصری. تهران: خوارزمی.
- عبداللهی، محسن (1380). «اصول تفکر سیاسی در آیات مکی قرآن در ترازوی نقد». قیاسات، دوره ششم، ش 20-21.
- فارابی، محمد بن محمد (1996 م). آراء اهل المدینه الفاضله. بیروت: دارالمشرق.
- مهاجرنیا، محسن (1393). فلسفه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ولایتی، علی‌اکبر (1392). فرهنگ و تمدن اسلامی. قم: دفتر نشر معارف.
- Abdollahi, Mohsen (2001). "Principles of Political Thought in the Meccan Qur'anic Verses on the Scale of Criticism". *Qibasat*, Vol. 6, No. 20-21.
- Akbari, Morteza & Fereidoun Rezaei (2015). "Investigating the Characteristics of Modern Islamic Civilization in the Thought of the Supreme Leader of Iran". *Studies in the Model of Islamic Progress*, Vol. 3, No. 5.
- Al-Masouli, Ahmad (1999). *The Principles of Islam and the International System*. Translated by: Mehrdad Azar Ardebili. Tehran: Kayhan.
- Babaei, Habibullah (2011). *Civilization and Modernism in Contemporary Arab Thought*. Qom: Institute for Islamic Science and Culture.
- Babaei, Habibollah (2014). *Theoretical Explorations in Theology and Civilization*. Qom: Institute for Islamic and Cultural Studies.
- Bahmani, Mohammad Reza (2014). "Modern Islamic Civilization in Ayatollah Khamenei's Thought". *Critique and Opinion*, Vol. 19, Issue 2.
- Bahmani, Mohammad Reza (2013). "Relationship between Religion and Life". *Islam and Social Studies*, Vol. I, No. 2.
- Boroujerdi, Mehrzad (2005). *Iranian and Western Intellectuals*. Translated by Jamshid Shirazi. Fifth Edition. Tehran: Farzan Publishing.
- Dekmejian, Harair (2004). *The Islamic Movement in the Arab World*. Translated by: Hamid Ahmadi. Fourth Edition. Tehran: Keyhan.
- Durant, Will (2002). *The History of Civilization*. Translated by: Ahmad Aram, Askari Pashaie and Amir Hossein Arianpour. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.

- Eshkevari, Mohammad Javad & Seyedeh Zahra Mousavi (2015). **Proceedings of the National Conference on Modern Islamic Civilization**. Tehran: Shahed University Press and Publication Center. available at: <http://shahed.ac.ir/po/Lists/News /DispForm.aspx?ID=۶۵>
- Farabi, Mohammed bin Mohammed (1996). **Opinions of Ahl al-madinah al-Fazalah**. Beirut: Dar al-Mashragh.
- Ibn Khaldun, Abd Al-Rahman (1408 AH). **Introduction**. Beirut: Dar al-Ehya al-torath al-arbi.
- Ibn Manzour, Abu al-Fazl Muhammad Ibn Mokarram (1414 AH). **Lesan al-Arab**. Beirut: Dar al-Sadr.
- Ibn Sina, Hussein Ibn Abdullah (1418 AH). **Theology of Al-Shafaa Book, t 1**. Qom: Publishing Center of the Bureau of Islamic Propaganda.
- Jafari, Mohammad Taghi (1983). **Translation and Interpretation of Nahj al-Balagheh**. Tehran: Farhang Islami Publications.
- Jahanbin, Farzad & Masoud Moeinparvar (2014). "The Process of Realizing Islamic Civilization from the Viewpoint of Ayatollah Khamenei". *Journal of Islamic Revolution Studies*, Vol. 11, No. 39.
- Khamenei, Ali (2011). **A 250 Year Man; Statements by the Supreme Leader on the Political Life of the Imams of the Campaign**. Collecting and Setting Up the Center of Sahba. Tehran: Iman Jihadi Institute.
- Khamenei, Ali (2012). **Governance and Governance, Discussions on the concept of guardianship, divine government, and Islamic rule**. Tehran: Institute of Faith Jihadi.
- Khamenei, Ali (2016). **Outline of Islamic Thought in the Quran**. Seventh Edition. Tehran: Iman Jihadi Institute Publications.
- Khamenei, Ali (1998). **The Future in the Territory of Islam**. Tehran: Islamic Publication Office.
- Khari Arani, Majid & Zahra Aliakbarzadeh Arani (2015). "Principles and Components of Modern Islamic Civilization with Emphasis on the Thoughts of the Supreme Leader of the Islamic Republic". *National Conference on Modern Islamic Civilization*. Tehran: Shahed University.
- Mohajernia, Mohsen (2014) **Ayatollah Khamenei's Political Philosophy**. Tehran: Institute for Islamic Culture and Thought.
- Rahdar, Ahmad; Habibollah Babaei, Reza Khorasani & Mohammad Taghi Karami Ghahi (2009). **A Theoretical Search for Civilization**. Qom: Institute for Islamic Science and Culture.
- Rouhi, Nabiollah (2013). "The Perspective of Islamic Civilization Discourse on the Supreme Leader's Thought". *Basij Strategic Studies Quarterly*, Sixteenth Year, No. 61.
- Seyyed Qutb (1415 AH). **Maalim fi al-Atariq**. Beirut: Dar al-Sharq.
- Sobhani, Mohammad Taqi (2006). "An Introduction to the Ontology of Religious Social Thought in Contemporary Iran". *Quarterly Review and Review*, Vol. 11, No. 43-44.

- Thomson, Kent (2002). **Religion and Social Structure**. Translated by: Ali Bahram Pour & Hasan Mohaddesi. Tehran: Kavir Publishing.
- Tofighi, Hossein (2008). **Introduction to the Great Religions**. Third Edition. Tehran: Samt Publication.
- Tusi, Khaje Nasir al-Din (1387 AH). **Nasiri Ethics**. Tehran: Kharazmi Publishing Company.
- Velayati, Ali Akbar (2013). **Islamic Culture and Civilization**. Qom: Education Publication Office.

